

Research Article
**Examining the semantic foundations of modern
technology and its socio-cultural consequences from the
perspective of philosophical ethics**

Majid Mofid Bojnordi¹

Received: 03/09/2022

Accepted: 14/06/2023



Abstract

Modern technology has brought numerous conveniences to humanity, but it has also had unfortunate consequences. Despite discussions among thinkers about these consequences, little attention has been given to the causes, factors, and relationship between them. This study employs a philosophical ethics approach and references technology theorists to address this gap. From this perspective, modern technology is formed based on worldly meanings and the rule of lust and anger over reason. This cognitive inversion leads to the enslavement of the mind and entire existence of humanity under animality, resulting in identitylessness and the formation of animal character, leading to indescribable human suffering. At the macro level, technology contributes to the destruction of human values, the domination of nature, man, and society, and changes in people's perceptions and ways of thinking. This results in a state of permanent anonymity, cultural captivity, and a secondary identity incompatible with the original human identity. This study uses an analytical and rational method to explore the relationship between the

1. Researcher and scholar of Qom Seminary, Qom, Iran.

* Mofid Bojnordi, M. (1402 AP). Examining the semantic foundations of modern technology and its socio-cultural consequences from the perspective of philosophical ethics. *Journal of Islam and Social Studies*, 11(41). pp. 131-162. DOI: 10.22081/JISS.2023.64812.1950

● © Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

causes and consequences of modern technology and its impact on human values, perceptions, and identity. The findings reveal a hidden contradiction in Western culture and civilization, leading to a shift in how we view modern technology and its role in society. This research contributes to the philosophical ethics approach to understanding modern technology's consequences. It provides insights into the causes and factors of the consequences of modern technology and its impact on humanity, culture, and society. This research has implications for promoting a more humanistic approach to technology and technology development, contributing to a more just and equitable society.

Keywords

Modern technology, consequences of technology, philosophical ethics, lust and anger, practical wisdom, semantic foundations, means of meaning.



مقاله پژوهشی
بررسی بنیادهای معنایی تکنولوژی مدرن و پیامدهای
فرهنگی-اجتماعی آن از منظر اخلاق فلسفی

مجید مفید بجنوردی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴

©Author(s).



چکیده

تکنولوژی مدرن، در عین فراهم آوردن امکانات فراوان برای انسان، پیامدهای ناگوار فراوانی نیز داشته است؛ اما با آنکه گفتگوی فراوان اندیشمندان از پیامدهای آن، علل و عوامل پیامدها و چگونگی ارتباط میان این علل و پیامدها، به صورت مبسوط بحث نشده است. پژوهش حاضر می‌کوشد در چارچوب رویکرد اخلاق فلسفی، با روش تحلیلی و عقلی و نیز استناد به دیدگاه نظریه پردازان تکنولوژی، به این بُعد از پیامدها بپردازد. از منظر اخلاق فلسفی، تکنولوژی مدرن، بر مبنای معانی دنیاگرایانه و حاکمیت شهوت و غضب بر عقل شکل گرفته که این بنیاد معنایی، به نابودی زیبایی‌های اخلاقی و انسانیت انسان، سیری ناپذیری و سلطه جویی وی بر دیگران، تعطیلی قوه تعقل و وارونگی شناختی، اسارت عقل و تمام وجود انسان تحت حیوانیت، سیلان و بی‌هویتی و در نهایت با شکل دهی سیرتی حیوانی، به رنج و صف ناپذیر نابودی انسان می‌انجامد؛ بدین لحاظ، تکنولوژی نیز در سطح کلان اجتماعی به نابودی ارزش‌های انسانی، سلطه بر طبیعت، انسان و جامعه، امکان‌زدایی تعقل نظری و تغییر ادراکات و طرز فکر افراد، سیلان و بی‌هویتی دائمی و اسارت

3011367@gmail.com

۱. پژوهشگر و دانش‌آموخته حوزه علمیه قم، قم، ایران.

* مفید بجنوردی، مجید. (۱۴۰۲). بررسی بنیادهای معنایی تکنولوژی مدرن و پیامدهای فرهنگی-اجتماعی آن از منظر اخلاق فلسفی. فصلنامه علمی-پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۱(۴۱)، صص ۱۳۱-۱۶۲.

DOI: 10.22081/JISS.2023.64812.1950

فرهنگ و انسان تحت الزامات تکنولوژی انجامیده و در نهایت با شکل دهی جهان زیست افراد، به عنوان محرک بیرونی حرکت جوهری نفوس انسانی، بستر شکل گیری هویت ثانویه ناسازگار با فطرت و هویت اصیل انسانی در افراد را فراهم می کند که حاصل این همه، عیان سازی تناقض پنهان در فرهنگ و تمدن غربی است.

کلیدواژه‌ها

تکنولوژی مدرن، پیامدهای تکنولوژی، اخلاق فلسفی، شهوت و غضب، حکمت عملی، بنیادهای معنایی، لوازم معنا.



مقدمه

تکنولوژی مدرن، به عنوان یکی از محصولات اصلی و چالش برانگیز جهان مدرن، با وجود مزایای بی شمار آن در رهایی انسان از محدودیت‌های طبیعی، پیامدهای ویرانگری نیز داشته که اندیشمندان فراوانی، همچون مارتین هایدگر^۱ با تحلیلی فلسفی، پیروان مکتب فرانکفورت با تحلیل‌هایی متفاوت، نیل پستمن^۲، جامعه‌شناس آمریکایی، در کتاب تکنوپولی با تحلیل جامعی از خطرهای ناگوار تکنولوژی و سیطره تدریجی آن بر فرهنگ، سیاست، دین، هنر و تمام جنبه‌های انسانی که تکنولوژی مدرن را به مثابه امری مسلط و نابودکننده جنبه‌های انسانی می‌داند؛ الوین تافلر^۳ در شوک آینده و مانوئل کاستلز^۴ در عصر اطلاعات به جنبه‌های گوناگون خطرات فناوری‌های جدید پرداخته‌اند.

اما مسئله مهم در این میان، یافتن راه‌حلی مناسب برای برون رفت از این پیامدهاست که این موضوع، خود در گرو تبیینی صحیح و واقع‌بینانه از علت یا علل این پیامدها و پاسخ به چرایی این مسئله است؛ امری که اندیشمندان غربی با واماندگی از پاسخی راهگشا به آن، عموماً به مرثیه‌سرایی بسنده کرده‌اند و به اعتقاد نگارنده، چنین پرسشی، به لحاظ منطقی، در چارچوب نظام اندیشه‌ای غرب که خود، تولیدکننده تکنولوژی بوده، هرگز پاسخی مناسب نمی‌یابد؛ به عبارتی، پاسخ به چرایی پیامدهای تکنولوژی، نیاز به نگاهی جامع به هستی، انسان، نیازها، کمال و سعادت انسانی دارد تا بتواند ناهم‌خوانی تکنولوژی و اقتضات آن با حیات و نیازهای انسانی را تبیین نماید؛ نگاهی که اندیشه غربی فاقد آن بوده و به نظر باید آن را در اندیشه‌های دینی و الهی جستجو نمود. بدین لحاظ، بسیاری از اندیشمندان اسلامی به نقد و بررسی تکنولوژی از منظر اندیشه دینی پرداخته‌اند که با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته، می‌توان گفت از نگاه

1. Martin Heidegger
2. Neil Postman
3. Alvin Toffler
4. Manuel Castells

بیشتر آنان، خاستگاه پیامدهای منفی تکنولوژی، مبانی و جهت‌گیری‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی اندیشه غربی، همچون مادی‌گرایی، الحاد، انسان‌گرایی^۱ و حس‌گرایی است. با این حال، در این پژوهش‌ها نیز پاسخ این پرسش به‌دست نمی‌آید که این عوامل نظری و مبنایی چگونه و با چه توضیحی به چنین پیامدهایی ختم می‌شوند؟

پژوهش حاضر می‌کوشد تا با استفاده از ظرفیت‌های رویکرد اخلاق فلسفی، به‌عنوان بخش مهمی از حکمت عملی اسلام، علاوه بر ذکر علت یا علل تبیین‌کننده پیامدهای تکنولوژی مدرن، بیشتر با شرح و بسط پاسخ پرسش اخیر، توضیح دهد که علل مورد بحث، چگونه منجر به پیامدهای گوناگون تکنولوژی مدرن می‌گردد؟ از نظر این پژوهش، رویکرد اخلاق فلسفی که با تکیه بر قانون اعتدال ارسطویی، کنش‌ها، نیازها و کمال انسانی را براساس قوای نفس توضیح می‌دهد، ظرفیت و چارچوب تحلیلی مناسبی برای پاسخ به پرسش پژوهش در اختیار می‌نهد. بر اساس این رویکرد، تکنولوژی محصول کنش انسانی و مستند به عقل عملی انسان است که می‌تواند تحت حاکمیت قوه ناطقه (عقل) انسانی و یا قوای حیوانی (شهوته و غضب) عمل نماید و حاکمیت هر یک از این قوا، پیامدها و الزامات ویژه‌ای را در ساحت وجودی، کنشی و اجتماعی انسان به همراه دارد؛ بنابراین، تکنولوژی بسته به اینکه بر بنیاد عقل یا شهوت و غضب شکل بگیرد، پیامدهای خاصی را در ساحت فردی و اجتماعی پدید می‌آورد. این پژوهش، با روش تحلیلی و عقلی، استدلال می‌کند که تکنولوژی مدرن، بر مبنای حاکمیت شهوت و غضب شکل گرفته و پیامدهای آن در حوزه انسانی نیز در واقع، معلول همین امر بوده و همان پیامدهایی هستند که حکمای اسلامی به‌عنوان پیامدهای حاکمیت شهوت و غضب بر وجود آدمی بیان داشته‌اند. در بیان پیامدهای تکنولوژی نیز به دیدگاه‌ها و یافته‌های اندیشمندان گوناگون استناد می‌شود؛ گرچه ممکن است پیامدهای ناشناخته یا ظهور نیافته تکنولوژی که اندیشمندان به آن نپرداخته‌اند نیز مورد بحث واقع شود.

1. Humanism

۱. پیشینه پژوهش

در بحث از پیامدهای تکنولوژی، منابع داخلی و خارجی فراوانی وجود دارد که امکان ذکر آنها نیست؛ اما درباره موضوع این پژوهش به طور ویژه پژوهش خاصی انجام نشده؛ اما پژوهش‌ها و دیدگاه‌های نزدیکی وجود دارد؛ از جمله، سیدمهدی میرباقری ضعف‌ها و مشکلات تکنولوژی مدرن را ناشی از نگاه تک‌ساحتی و حس‌گرایانه غرب به انسان می‌داند (میرباقری، ۱۳۹۹). عبدالعلی رضایی به تحلیل ماهیت تکنولوژی در ارتباط با نظامات اجتماعی و سیاسی غرب می‌پردازد و در خلال مباحث، اشاراتی به چرایی پیامدهای تکنولوژی نیز دارد. شیراوند و عظیمی با بررسی تکنولوژی و اخلاق فناوری در پرتو تبیین عناصر حوزه انسان‌شناسی دینی، دشواری‌های تکنولوژی را ناشی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی مادی‌گرایانه غربی می‌دانند. این آثار توضیح نمی‌دهند که مبانی نظری تکنولوژی و جهان مدرن چگونه به چنین پیامدهای سوئی ختم می‌شود و پژوهش حاضر، تلاش می‌کند تا این خلأ را رفع نماید.

۲. اخلاق فلسفی؛ چارچوب تحلیلی پژوهش

اخلاق فلسفی در آثار حکیمانی چون فارابی، مسکویه، خواجه‌نصیر و سپس ملاصدرا و حکیمان صدرایی نمود می‌یابد و به شرح و بسط و تکمیل قانون اعتدال ارسطویی براساس فلسفه اسلامی می‌پردازد. این پژوهش، تلاش دارد تا با بهره‌گیری از رویکرد اخلاق فلسفی، چارچوب تحلیلی‌ای برای بررسی موضوع پژوهش ارائه کند که شامل چند مبحث است:

۲-۱. قوای نفس و نقش آن در شکل‌دهی کنش، هویت و پدیده‌های انسانی

اخلاق فلسفی، انسان را دارای دو بعد روحی (نفس) و جسمی (بدن) می‌داند. نفس به‌عنوان هویت اصلی و فاعل کنش‌های صادره از انسان، افعال خویش را به کمک قوای مختلفی انجام می‌دهد که در باره افعال ارادی، سه قوه اهمیت اساسی دارند: «قوه ناطقه»

که مختص انسان و ملاک انسانیت و تمایز او از حیوان بوده و به دو بخش تقسیم می‌شود: «عالمه» (عقل نظری) که کارکردش اندیشیدن و درک حقایق امور و «عامله» (عقل عملی) که کارکردش پرداختن به امور مربوط به عمل انسانی، نظم کارها و آرایش قوای دیگر است (فارابی، ۱۳۸۸، ص ۱۱؛ مسکویه، ۱۳۸۱، ص ۹۲، طوسی، ۱۳۶۴، ص ۵۷). «قوه شهویه» با کارکرد جذب و شوق به امور ملایم و لذت‌بخش، همچون خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، لذت‌های جنسی، تولید نسل و... و «قوه غضبیه» با کارکرد دفع ضررهای گوناگون و منشیت کارهای ترسناک، سلطه، کرامت و دیگر برتری‌طلبی‌های انسان نیز مشترک میان انسان و حیوان و شکل‌دهنده بُعد حیوانی انسان‌اند (مسکویه، ۱۳۸۱، ص ۶۶، طوسی، ۱۳۶۴، ص ۵۸).

از منظر حکیمان اسلامی، نوع کنش انسانی که شکل‌دهنده پدیده‌های انسانی بوده و می‌تواند سعادت دنیوی و اخروی انسان را تأمین کند، بستگی تامی به نسبت و نحوه ارتباط این قوا دارد و از آنجاکه این قوا با یکدیگر، نوعی تباین و ناسازگاری داشته و هریک میل به تحقق اقتضانات خود دارند (مسکویه، ۱۳۸۱، ص ۶۶، طوسی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۸ و خمینی رحمته‌الله، ۱۳۷۲، ص ۱۶)، حکیمان یک حالت اعتدال میان قوا را در نظر می‌گیرند که حدود فعالیت هر قوه را به گونه‌ای تعیین می‌کند که تأمین‌کننده سعادت دوجاهانی انسان باشد. این حالت در صورتی حاصل می‌شود که قوه ناطقه بر دیگر قوا حاکم بوده و خود نیز در حالت اعتدال قرار گیرد؛ یعنی بخش نظری آن، به شناختی صحیح از حقایق، از جمله سعادت حقیقی انسان، مبدأ هستی و نسبت انسان با او نائل آید و عقل عملی نیز با تبعیت از شناخت‌های عقل نظری، شهوت و غضب را مهار و هر یک را در نقطه اعتدال آن نگه دارد و با انقیاد این دو قوه تحت فاعلیت عقل، ملکه عدالت برای انسان حاصل شود (مسکویه، ۱۳۸۱، صص ۹۲ و ۶۷). درمقابل، حاکمیت شهوت و غضب بر وجود آدمی سبب نبود تعادل این قوا و دورشدن هر قوه از نقطه اعتدال شده و رذائل و نابهنجاری‌های گوناگون اخلاقی و کنشی در انسان ایجاد می‌شود (مسکویه، ۱۳۸۱، صص ۷۷-۸۱).

۲-۲. تقدم علم بر اراده و معناداری کنش و پدیده‌های انسانی

دوم اینکه همان گونه که حالت اعتدال نفس، نیازمند شناخت صحیح عقلی است (مسکویه، ۱۳۸۱، ص ۹۳)، حاکمیت شهوت و غضب نیز ناشی از شناخت و نگرش تنها این جهانی و دنیاگرایانه به هستی و منحصر دانستن سعادت و کمال نهایی در لذت‌های حسی است (مسکویه، ۱۳۸۱، ص ۹۵). با این بیان، حکمای اسلامی معتقد به تقدم علم بر اراده و عمل هستند و کنش انسانی را همواره مسبوق به شناخت‌های گوناگون و معطوف به هدف و غایت خاصی می‌دانند که پیش از انجام آن در ذهن کنشگر، تصور و تصدیق می‌شود و به‌عنوان علت غایی کنش، مورد قصد واقع می‌شود^۱.

شناخت (تصور فعل و سرانجام تصدیق فایده سرانجام فعل) ← گرایش (شوق) ←
اراده ← قوه فاعله ← کنش

شکل ۱. فرایند صدور افعال ارادی انسان

به اعتقاد مسکویه: «...دانش، آغاز است و کردار، انجام و آغاز بی‌انجام، ضایع است و پایان بی‌آغاز، ناممکن و همین کمال است که ما آن را غرض می‌نامیم... غرض و کمال، ذاتاً یک چیزاند... چه اگر بدان بنگرند درحالی که در نفس آماده است و هنوز بالفعل نشده، آن غرض است و هرگاه بالفعل شد و تمام گشت، کمال است» (مسکویه، ۱۳۸۱، ص ۹۳).
به هر جهت، کنش و پدیده‌های انسانی، اموری معنادار و معطوف به اهداف قصدشده‌اند. منظور از معنا که به‌مثابه روح کنش انسانی است، مجموعه‌ای از شناخت‌ها، اعتقادات و اهداف مطابق با آن است که کنشگر آن را درک کرده و با اختیار خود، براساس آنها اراده و عمل می‌کند.

۱. ر.ک: طباطبایی، بی‌تا، ص ۱۳۶؛ مطهری، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۶۲۲، ج ۷، ص ۳۵۸، ج ۵، ص ۴۵۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۲، صص ۴۳۱ و ۴۴۳ و مصباح یزدی، ۱۳۹۱ (الف)، ج ۱، ص ۱۵۶ و مصباح یزدی، ۱۳۹۱ (ب)، ص ۱۵۰، جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۲ و ۴، ص ۲۴۹.

۲-۳. الزامات و حکمرانی معنا بر جهان انسانی

سوم آنکه انتخاب معنا و تن دادن به اقتضائات آن، تحت اراده و اختیار انسان است؛ اما زمانی که انسان معنایی را برگزید و رسیدن به آن را آرزو و برای تحقق آن عمل نمود، آثار و لوازم آن تحت اختیار او نبوده و باید به این لوازم نیز تن دهد (پارسای، ۱۳۹۲، ص ۱۵۴)؛ بنابراین، هر معنایی پیامدهای متناسب با خود را در عرصه عملی و جهان انسانی دارد. از منظر اخلاق فلسفی، معانی «عقلی و آخرت گرایانه»، فضائل گوناگون اخلاقی، لذت دائمی و سعادت دوجوهانی را نتیجه می‌دهند و معانی «حسی خیالی، وهمی و دنیاگرایانه» متناسب با اقتضائات شهوت و غضب، به ناسازگاری قوای درونی و انواع ردائل اخلاقی، تناقضات رفتاری و رنج و دردهای گوناگون می‌انجامد؛ بنابراین، اخلاق فلسفی در واقع، به کار شناخت معنا و الزامات آن بر کنش، هویت و سرنوشت انسان پرداخته و برای هریک از دو گونه معنا و شناخت، پیامدهای خاصی شناسایی می‌کند. این آثار و پیامدها، نه تنها در هستی و کنش‌های انسان، بلکه در تمامی پدیده‌ها و جهان انسانی نیز ظهور دارند.

۲-۴. تکنولوژی به مثابه محصول کنش انسانی

با این بیان، می‌توان به تبیین پیامدهای تکنولوژی نیز پرداخت؛ چراکه تکنولوژی نیز محصول کنش انسانی بوده و ماهیت آن تابع معانی و اهداف ملحوظ در ساخت و تولید آن است و اگر تکنولوژی را نوعی صنعت‌گری و هنر بدانیم، در نگاه فلاسفه اسلامی، توسط بخشی از عقل عملی انسان و در تعامل با عقل نظری ساخته می‌شود (فارابی، ۱۳۵۸، ص ۷۵) و بسته به اینکه عقل عملی دخیل در آن، تابع عقل نظری بوده و قوای نفس در حالت تعادل قرار گیرند و یا تحت حاکمیت شهوت و غضب و ملتمز به معانی دنیاگرایانه و حس‌گرایانه قرار گیرد، این پدیده نیز پیامدهای متفاوتی دارد.

پژوهش حاضر، ابتدا در پاسخ به این پرسش که تکنولوژی مدرن، مبتنی بر چه بنیاد معنایی شکل گرفته است، با استناد به مبانی نظری تکنولوژی مدرن، استدلال می‌کند که این پدیده براساس معانی و رویکرد این جهانی و معطوف به اهداف حیوانی صرف و

اقتضائات قوه غضبیه و شهویه شکل گرفته است؛ سپس در پاسخ به این پرسش که این بنیاد معنایی، چه آثار و لوازمی در سطح کلان اجتماعی و فرهنگی به دنبال دارد، با استناد به منابع اخلاق فلسفی، پیامدهای نگرش دنیاگرایانه و حاکمیت شهوت و غضب بر وجود و کنش انسانی را ذکر کرده و نشان می‌دهد که پیامدهای تکنولوژی مدرن، نمودی از این پیامدها در سطح کلان اجتماعی بوده و از این رهگذر، قابل تبیین است.

۳. مبانی نظری و بنیاد معنایی تکنولوژی مدرن

مبانی نظری (مبانی جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی) تکنولوژی مدرن اهداف ساخت، تولید و کاربست آن را تعیین می‌بخشد. از آنجا که تکنولوژی مدرن محصول کنش جمعی برآمده از یک فرهنگ، تمدن و نظام علمی خاصی است، مبانی نظری حاکم بر آن را نیز باید در نظام فرهنگی و تمدنی آن جستجو کرد. سکولاریسم^۱، به معنای نگاه و تفسیر دنیوی و این‌جهانی از هستی، عمیق‌ترین لایه معرفتی غرب مدرن بوده و به لحاظ تاریخی نیز ویژگی منحصر به فرد جهان متجدد است (پارسانیا، ۱۳۹۲، صص ۱۵۹-۱۶۰).

در بعد معرفت‌شناختی نیز ویژگی اصلی تفکر غربی، عبارت است از نفی مرجعیت وحی و نقل برآمده از آنکه سبب می‌شود تا اندیشه روشنگری^۲، ابتدا با عقل‌گرایی^۳ و شناخت عقلی (در فلسفه دکارت) دنبال شود؛ اما از آنجا که اندیشه غربی ارتباط خود را با حقایق و عوالم عقلی نیز بریده می‌داند، شناخت عقلی که به عقل مفهومی تنزل می‌یابد نیز چندان دوام نیاورده و جای خود را به شناخت حسی و تجربی می‌دهد و در نتیجه، روش آمپرسیستی و شناخت تجربی، تنها معرفت معتبر در جهان مدرن شناخته می‌شود (پارسانیا، ۱۳۹۲، صص ۱۶۰-۱۶۲). این موضوع سبب می‌شود تا عقلانیت ابزاری و کنش‌های معطوف به اهداف دنیوی در جامعه غربی، حاکم شده و عقلانیت ذاتی که به

1. sécularisme
2. Enlightenment
3. Rationalism

تأمل درباره ارزش‌ها و اهداف زندگی می‌پردازد، از جامعه رخت بریندد (پارسانیا، ۱۳۹۲، صص ۱۶۰-۱۶۲) که نتیجه آن، تعیین ارزش‌ها، آرمان‌ها و اهداف عملی به‌وسیله خواسته‌های این‌جهانی و معطوف به امیال حیوانی است. متناسب با هستی‌شناسی سکولار غرب، اومانیزم نیز به‌عنوان مهم‌ترین مبنای انسان‌شناختی این تفکر، مطرح می‌شود که به‌معنای اصالت‌بخشی به انسان دنیوی و تمرکز بر امیال و خواسته‌های او به‌عنوان معیار نهایی برای داوری درباره ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به عمل انسانی است که ملاک تجربی برای ارزیابی آنها نیز وجود ندارد (پارسانیا، ۱۳۹۲، ص ۱۶۳).

با این مبانی نظری، تمام ابعاد انسانی، الهی و عقلانی انسان به محاق رفته و امیال و ابعاد حیوانی انسان، یعنی شهوت و غضب، تنها معیار تعیین‌بخش به کنش انسانی و انتخاب اهداف عملی‌ای می‌شود که تکنولوژی مدرن، معطوف به آنها تولید و مصرف می‌شود.

۴. پیامدهای تکنولوژی مدرن؛ الزامات منطقی معانی حاکم بر آن

حال باید دید یک چنین بنیاد معنایی، از منظر اخلاق فلسفی، چه پیامدهایی را به‌دنبال دارد و این پیامدها در سطح کلان اجتماعی و تمدنی چه صورتی پیدا می‌کنند که با گسترش این موضوع، پیامدهای تکنولوژی مدرن تبیین خواهد شد. بر اساس رویکرد اخلاق فلسفی، تبعیت از شهوت و غضب، نخست به سلب استعدادها و وجوه مثبت انسانی و سپس ایجاد ابعاد منفی در وجود آدمی می‌انجامد. تکنولوژی مدرن نیز هم به تخریب ابعاد مثبت فرهنگ و جامعه انسانی و هم ایجاد پدیده‌ها و هویت‌های آسیب‌زا انجامیده است.

۴-۱. تصرف و تغییر در حوزه شناختی انسان

اولین و شاید مهم‌ترین پیامد تکنولوژی مدرن، اختلال در قوه تعقل و اندیشه انسان است که این امر دست کم به دو شکل رخ می‌دهد:

۴-۱-۱. امکان‌زدایی تعقل نظری

تکنولوژی با فرایندهایی مشخص، قدرت تمیز و تشخیص و توان خلاقیت را از

انسان سلب کرده و تصور هرگونه معنا و آینده‌ای معقول را دشوار می‌نماید. یک دلیل این مسئله، گسترش بیهوده و بی‌معنای اطلاعات و ذخیره پی‌درپی آن به‌واسطه تکنولوژی است که مهار این اطلاعات را ناممکن و به فروپاشی همه‌جانبه روانی و اجتماعی انجامیده و فرصتی برای پرسش درباره نتیجه این حجم اطلاعاتی تکنولوژیکی باقی نمی‌گذارد. در چنین وضعیتی، تکنیک جای تفکر و خلاقیت انسان می‌نشیند و اطلاعات تکنولوژیکی، ارزشی متفاوتی می‌یابد و جایگزین هدف و وسیله انسان می‌شوند (پستمن، ۱۳۷۲، صص ۷۵، ۸۸ و ۱۰۲).

دلیل دیگر این مسئله، زوال عقلانیت نظری در سطوح گوناگون جامعه غربی است. غرب، ابتدا با کنار نهادن عقل در سطح فلسفی، علمی و عمل اجتماعی و سپس با نقّادی باورها و عقاید پیشین توسط نیچه، داروین، مارکس، فروید و... و سست شدن اعتماد انسان به این عقاید، عقلانیت نظری را منزوی و بی‌اعتبار کرد؛ در نتیجه این خلأ، تکنولوژی به‌عنوان تنها عینیت تامی باقی ماند که برای انسان قابل مشاهده و قابل اعتماد بود (پستمن، ۱۳۷۲، ص ۷۹)؛ از این رو، تکنولوژی ارزش‌های مسلطی که مبتنی بر آن شکل گرفته را بر جامعه تحمیل می‌کند (لادیر، ۱۳۸۰، ص ۱۲۴). تکنولوژی مدرن به‌عنوان محصول عقل ابزاری و عملی، با رشد و قدرت‌گیری فزاینده، همه حوزه‌های عقل نظری را نیز تصرف کرده و فرصت اندیشیدن را به انسان نمی‌دهد.

از منظر اخلاق فلسفی، تبعیت عقل عملی از قوای حیوانی - که بنیاد تکنولوژی مدرن است -، قوه (عقل) نظری را فاسد و توان تعقل صحیح را از انسان سلب می‌کند؛ در مقابل، تبعیت عقل عملی از عقل نظری، سبب اصلاح و تعالی قوای حیوانی و عقل نظری می‌شود (سروش، ۱۳۹۳، ص ۲۴۶). به تعبیر حکیمان، «در جایی که شهوت و غضب حاکم است، عقل، حاکم معزول است... شهوت و غضب، بُعد (عقل) عملی انسان را در حقیقت به اسارت می‌برد و به دنبال آن، قوه عماله (عقل عملی) انسان از عقل (نظری) فتوی نمی‌گیرد» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۲ و ۴، ص ۲۴۹). حاکمیت شهوت بر انسان، سبب فساد و اختلال عقل انسان می‌شود (نراقی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۹). در چنین حالتی، شهوت و غضب اساساً توان و فرصت اندیشه درست درباره امور حیاتی چون سرنوشت، مرگ و سعادت را از

انسان سلب کرده و چاره‌ای جز تن دادن به اقتضانات آنی خود باقی نمی‌گذارند؛ به همین‌سان، تکنولوژی مدرن نیز با تحمیل اقتضانات خود بر فرهنگ و کنشگران، هرگونه توان تعقل و بازاندیشی نظری درباره چرایی و حدود مرز تولید و کار بست تکنولوژی و تن دادن به الزامات، پیچیدگی‌ها و پیامدهای ویرانگر آن را از آنان سلب کرده و آنان بی‌چون و چرا به اقتضانات تکنولوژی تن می‌دهند.

۴-۱-۲. تغییر مفاهیم و قالب‌های فکری

تغییر مفاهیم انسانی و ارزشی و ارائه تعاریفی وارونه و منطبق بر اقتضانات تکنولوژی از آنها، صورت دوم تأثیر تکنولوژی بر حوزه شناختی است که پیامد بلافصل انزوا و تعطیلی عقلانیت نظری بوده و خود به چند صورت رخ می‌دهد؛ اول آنکه در جامعه تکنولوژیکی، به جای حفظ ارزش‌ها و اخلاقیات انسانی، این نظام ارزش‌هاست که باید متناسب با اقتضانات تکنولوژی‌های نوین تغییر یافته و اخلاقیات جدیدی شکل بگیرد که تکنولوژی معین می‌کند (تافلر، ۱۳۷۸، ص ۳۰۹)؛ به عبارتی، حوزه ارزش‌ها که مختص عقل بوده و باید تکنولوژی را مهار کند، خود به تسخیر تکنولوژی درآمده و توسط آن تغییر و شکل‌دهی می‌شوند. دوم، به دلیل تغییر نظام ارزش‌ها، تکنولوژی به حوزه زبان و مفاهیم ارزشی نیز دست‌اندازی کرده و «تمام مفاهیم و اندوخته‌های ذهنی را دگرگون (و) برای واژه‌هایی نظیر «آزادی»، «حقیقت»، «شعور»، «واقعیت»، «خرد»... مفاهیمی تازه می‌سازد» و به مقتضای عقلانیت ابزار خود، مفاهیم ارزشمند اخلاقی را با مفاهیمی «عاری از ارزش» جایگزین می‌کند؛ برای مثال، به جای مفهوم «گناه»، مفهوم آماری «انحراف اجتماعی» و به جای واژه‌هایی چون «پلیدی» و «تباهی»، عنوان پزشکی «پاتولوژی روانی» قرار می‌گیرد و گناه و ناپاکی‌ها که مفاهیمی غیرقابل اندازه‌گیری و ارزیابی هستند، از قاموس تکنولوژی و فرهنگ تکنوپولی برچیده می‌شوند (پستمن، ۱۳۷۲، صص ۲۳ و ۱۲۸).

سوم آنکه بر اساس تکنولوژی با تغییر محیط فکری و شیوه اندیشیدن انسان، نوع خاصی از تفکر و طرز نگاه را آفریده و وی را ناچار به اندیشیدن در قالب‌های مشخصی

می‌کند که این وسیله و تکنیک ایجاب می‌کند و در نهایت، مفهوم حکمت و دانایی را از بین می‌برد (تافلر، ۱۳۸۶، ص ۳۰؛ postman, 1998)؛ از این رو، قدرت و نوع ادراک ما از همه چیز، وابسته به قابلیت ابزار و تکنیک مورد استفاده ماست (پستمن، ۱۳۷۲، ص ۳۰). تأثیر دیگر تکنولوژی بر ادراک انسان، از طریق دگرگون‌سازی شتابان تصاویر انسان‌ها از واقعیت رخ می‌دهد که به تغییر حیرت‌آور و مداوم زبان و واژگان و ادراکات افراد و تلاش پیاپی آنان برای انطباق با واقعیات سیال می‌انجامد (تافلر، ۱۳۸۶، صص ۴۶، ۱۵۵-۱۵۷ و ۱۶۹؛ تافلر، ۱۳۷۸، ص ۲۱۸)؛ بنابراین، تکنولوژی با ایجاد تغییرات شتابان اشیا و واقعیات پیرامون ما، همچون ساختمان‌ها، ابزارهای مورد استفاده، تغییر شهرها و...، فهم ما از واقعیت جهان و امکان تشخیص درست و غلط که نیازمند تأمل و ژرف‌اندیشی است را دچار اختلال می‌کند. همچنین حوزه معانی نیز به واسطه کارکردهای اشیا بی‌جان جهان تکنولوژیکی تعیین می‌یابد که تمایل به کلیتی خودفرمان دارد؛ از این رو، تکنولوژی بدون هرگونه شایستگی برای تبدیل شدن به معنا، مفاهیم، تمثیلات و استعاره‌های کهن و طبیعی را نیز به هم ریخته و آنها را به ناتوانی معنایی متهم می‌کند (لادیر، ۱۳۸۰، ص ۹۹)؛ پیامد بلافصل این فرایند، بی‌معنایی و تهی‌شدگی جهان خواهد بود.

به اعتقاد حکمای اسلامی، غوطه‌ور شدن و افراط در لذت‌های حسی، سبب تغییر نگاه انسان به موضوعات، نیکوپنداشتن امور قبیح و بازماندن از نیل به نگرش و اندیشه صحیح و فهم امور غلط می‌شود (مسکویه، ۱۳۸۱، ص ۱۴۹، طوسی، ۱۳۶۴، ص ۹۸)؛ بنابراین، انسان مفاهیم اخلاقی همچون آزادی، سعادت و عدالت را به صورت وارونه دیده و تعریف و فهم دیگری از آنها ارائه می‌کند. بدین لحاظ، همانگونه که حاکمیت شهوت و غضب بر وجود انسانی، چارچوب‌های نگرش انسان به جهان، طرز تفکر، زبان و مفاهیم انسانی را تغییر داده و سبب می‌شود تا انسان همه چیز را در راستای نیل به اهداف حیوانی فهم و تفسیر نماید، تکنولوژی نیز علاوه بر سلب امکان تعقل نظری، زبان، مفاهیم و ارزش‌ها را دستخوش تغییر و متناسب با اقتضات خود شکل داده و بر فرهنگ و کنشگران تحمیل می‌کند.

۴-۲. تصرف و تغییر در حوزه عواطف، اخلاق و هنر

تکنولوژی مدرن به نابودی و محاق رفتن عواطف و احساسات، زیبایی‌های اخلاقی و هنری و تهی شدن حوزه اخلاق، هنر، فرهنگ و حتی مذهب از ارزش‌های متعالی انجامیده است. به تعبیر هایدگر، انسان مدرن، اکنون با خردی محاسبه‌گرا، تمام نظام‌های حقیقت غیر کمی، مثل زیبایی، هنر و عواطف را به نام غیرعقلانیت کنار نهاده است (اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۰)؛ به عبارتی، چیزی در ماوراءالطبیعه‌ی علم و تکنولوژی نهفته که آنها را به سوی تخریب، هدر دادن و منزوی کردن افراد از یکدیگر و از طبیعت می‌کشاند (رجبی‌نیا، ۱۳۸۹، صص ۴۹-۵۰)؛ بنابراین، تکنولوژی مدرن، امکان ارتباطات اجتماعی گرم و صمیمی اخلاق‌محور، خانوادگی و دوستانه را به محاق برده و عقلانیت خشک و محاسبه‌گر حاکم بر آنکه تماماً در خدمت بُعد این جهانی و لذت‌های آنی انسان است، با تصرف حوزه‌های اخلاق، هنر، عواطف انسانی و معانی متعالی، ارتباطاتی بی‌روح، منفعت‌طلبانه و سودمحور را در جامعه شکل می‌دهد؛ بنابراین، امروزه تکنولوژی و تلویزیون جایگزین خانواده و ارتباطات عمیق اجتماعی شده و این امور را از دسترس انسان خارج کرده‌اند (رجبی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۴) و رسانه‌ها، عکاسی و فیلم‌سازی نیز عینیت هنری را فرسوده‌اند (لون، ۱۳۹۱، ص ۲۹۸). به اعتقاد لادیر نیز «تجرید زیباشناختی» یا «صوری‌نگری» در هنر تکنولوژیک، به نابودی محتوا و تبدیل شدن آثار هنری به موضوعاتی فی‌نفسه ارزشمند بدون دلالت بر مفاهیم متعالی می‌انجامد (لادیر، ۱۳۸۰، صص ۱۷۰-۱۷۱).

از منظر اخلاق فلسفی، قوای نفس انسانی تنازع دائمی با یکدیگر دارند و در صورت غلبه و حاکمیت یکی از آنها، دیگر قوا به تصرف آن درآمده و از کارکرد اصلی خود باز می‌مانند (مسکویه، ۱۳۸۱، ص ۶۶ و طوسی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۸)؛ بنابراین، در صورت غلبه شهوت و غضب بر وجود انسان، قوه عاقله توان انجام کارکردهای خاص خود را از دست داده و با سپردن حوزه فعالیت خود به شهوت و غضب، تمام ویژگی‌های انسانی چون صبر، مدارا، ایثار و یاری‌گری اجتماعی که منوط به تعادل میان قوا و حاکمیت عقل بر وجود انسان‌اند (مسکویه، ۱۳۸۱، صص ۷۰-۷۶)، از وجود آدمی رخت برمی‌بندد. تکنولوژی

مدرن نیز بر پایه شهوت و غضب ساخته و مصرف میشود؛ از این رو، اخلاق، هنر، عواطف و تمام زیبایی‌ها و معانی متعالی و عقلانی را به نفع خواسته‌های حیوانی، مصادره و تسخیر می‌کند. در واقع، جست‌وجوی زیبایی‌های اخلاقی و هنری در جامعه تکنولوژیکی مدرن، توقعی ناهم‌ساز با ماهیت این پدیده بوده و هرآنچه به درد منافع مادی یا لذت‌های آنی و حیوانی نخورد، بی‌معنا جلوه می‌کند؛ از این رو، انسان مدرن دائماً در پی معنایی برای زندگی بوده و احساسی نوستالوژیک و در عین حال تراژیک، نسبت به خاطرات و گذشته‌هایی دارد که تکنولوژی از او سلب کرده است.

۳-۴. تناقض آفرینی

تکنولوژی مدرن، به آشکارسازی و عینیت‌بخشی تناقض پنهان در نهاد فرهنگ غربی پرداخته و انسان مدرن را هرچه ملموس‌تر با این واقعیت مواجه ساخته که این فرهنگ، نه تنها آرمان‌های آزادی‌خواهانه و رفاه‌طلبانه ادعایی را برآورده نساخته، بلکه به‌طور فزاینده‌ای بر شوربختی و رنج وی افزوده است. عیان‌سازی این تناقض نیز از چند جهت قابل تبیین است:

۱-۳-۴. سلطه مضاعف و اسارت تکنولوژیک انسان و فرهنگ

انسان مدرن غربی از ابتدا به دنبال رهایی از محدودیت‌های طبیعت و قیدوبندهای جامعه، سنت، دین و مذهب بوده و علم و تکنولوژی نیز در جهت توسعه‌بخشی قدرت تسخیرکننده او شکل گرفت؛ به نحوی که بیکن، طبیعت را فاحشه‌ای عمومی می‌خواند که باید مهار شود (اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۷۸) و اندیشوران زمان روشنگری نیز به وسیله محاسبات دقیق و ریاضی‌وار، به دنبال قدرتی خداوندی برای بشر جهت سلطه بر طبیعت و حتی انسان بودند (ریفین در رجبی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۶۸)؛ بدین سبب، از نگاه هایدگر، انسان مدرن، زمین را به مثابه منبع لایزال انرژی جهت کشف و ذخیره‌سازی می‌بیند و دیگر به جای مراقبت از زمین، به دنبال به‌نظم درآوردن، درافتادن و تعرض به آن است؛ اما به اعتقاد وی، بزرگ‌ترین خطر، توسعه این نگرش به انسان و نگاه به او به‌عنوان منبع

ثابت و آماده سلطه است (هابدگر، ۱۳۷۷، صص ۱۶-۱۷ و ۳۱)؛ از این رو، قدرت خداوندی تکنولوژی نه تنها برای سلطه بر طبیعت، بلکه در خدمت تسلط بخش خاصی از انسان‌ها و جوامع و مشخصاً غرب بر دیگران قرار گرفت و سلطه و کنترل که زیر پوسته بی‌طرفی ارزشی و عقلانیت ابزاری پنهان شده، بخش درونی علم و تکنولوژی‌ای گردید که در تجربه سلطه‌گرانه اروپا و آمریکا و استعمار جهان سوم رشد می‌یابد و مفهوم سلطه بر طبیعت را به سلطه بر انسان‌های غیراروپایی تبدیل کرد (رجبی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۵۰).

لذا به اعتقاد کاستلز، تکنولوژی اطلاعاتی، عامل حیاتی کسب قدرت و ثروت و خلق مصائبی چون تباهی، قتل و بهره‌کشی شدید از کودکان، شکل‌گیری «سیاه‌چاله‌های سرمایه‌داری اطلاعاتی»، گروه‌های بزرگ مافیایی با رقابت‌های افسارگسیخته و جنایات جهانی و سلطه بر کشورهای آفریقایی است (کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۳، صص ۱۱۲-۱۱۶، ۱۸۷-۱۸۸ و ۲۴۱). لادیر نیز ارزش‌های علم و تکنولوژی مدرن را تعالی‌بخش سلطه‌ای مبهم می‌داند که به صورت خوداتکا و بدون توان معنابخشی به زندگی روزمره، رشد می‌کند (لادیر، ۱۳۸۰، ص ۱۲۵)؛ بنابراین، تکنولوژی نه تنها برای نوع بشر آزادی نیافرید، بلکه بخش بزرگی از جوامع انسانی را در چنبره قدرت اقلیتی (همان صاحبان ابزار تولید در زمانه مارکس) قرار داد.

این خصیصه تکنولوژی نیز به طور کامل مرتبط با حاکمیت قوه غضبیه بر وجود آدمی است؛ چراکه میل به سلطه و قدرت بی‌کران، از کارکردهای اصلی قوه غضبیه است (رک: مسکویه، ۱۳۸۱، ص ۶۶؛ طوسی، ص ۱۰۸) که در نبود عقل، صورت‌های متکثری - خشونت‌عریان و کشتار بی‌واهمه تا سلطه نرم، تخدیر و فریب افراد - می‌یابد. یکی از نمودهای بارز قدرت‌طلبی، سلطه بر طبیعت است؛ اما زمانی که شهوت و غضب به طور کامل خارج از چارچوب‌های عقلی، عمل می‌کنند، دیگر بنیان توجیه‌گری برای مهار آنها وجود ندارد؛ بنابراین همانگونه که حکیمان اسلامی سیری‌ناپذیری این قوای حیوانی را همواره گوشزد کرده‌اند (خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۹)، نه تنها طبیعت و سایر انسان‌ها، بلکه برای چنین انسانی، تمام هستی به مثابه منبعی برای قدرت و سلطه تلقی می‌شود و این میل عظیم به سلطه تا جایی پیش می‌رود که وی با الحاد تمام، «خود را متکبرانه در

مقام خداوند زمین می ستاید و این توهم جا می افتد که هر آنچه بشر پیش روی خود می یابد، فقط به این اعتبار وجود دارد که ساخته اوست» (هایدگر، ۱۳۷۷، ص ۳۱).

اما تکنولوژی که ابتدا جهت تسلط انسان بر طبیعت و سپس سلطه انسان بر انسان تولید و کاربرد یافت، به تدریج، به مثابه امری مستقل، بیگانه و خارج از اختیار انسان ظهور کرد که خود انسان و فرهنگ را نیز به سلطه خود درآورد. در اینجا، سلطه، صورتی مضاعف به خود می گیرد و انسانی که اسیر بخش خاصی از هم نوع خود بود، اکنون بتمامه و به طور گسترده، اسیر الزامات تکنولوژی گردیده و تکنولوژی بر همه ابعاد حیات اجتماعی و فرهنگ انسانی حکمرانی می کند. اساساً فارغ از بحث تکنولوژی، احساس اسیربودگی انسان، از ابتدا در اندیشه متفکران غرب مدرن جابخش کرده و - به جز مرثیه خوانی های نیچه - مفاهیمی چون «قفس آهنین» و «تراژدی فرهنگ» زیمل، تئوری پردازی های مارکس برای آگاهی بخشی به طبقه استثمار شده و مفاهیم فرانکفورتی چون «صنعت فرهنگ»، «انسان تک ساحتی» و «شیء شدگی» تا مفهوم هابرماسی «استعمار زیست جهان» و سلطه عقلانیت ابزاری بر فرهنگ (Habermas, 1981, pp. 10-11) و در تعبیری متأخر، «گردونه بی مهار»^۱ گیدنز که هر لحظه، امکان متلاشی شدن و خرد کردن مقاومت کنندگان در برابر خود را دارد (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۱۶۶)، همه خبر از نوعی اسارت فرهنگ و انسان مدرن می دهند.

این نگاه تراژیک به تدریج، متوجه تکنولوژی گردید؛ یعنی اگر تا کنون جبر تاریخ، جامعه و ساختارهای متصلب آن، سائقه ها و نیروهای سرکوب شده فرویدی و... انسان را به سمت آینده ای نامعلوم می راند، زین پس، عینیتی به نام «تکنولوژی» در نظریات کسانی چون هایدگر، پستمن، تافلر، کاستلز و... همان نقش نیروی جبری را البته به صورتی شدیدتر برعهده می گیرد؛ بنابراین به اعتقاد هایدگر، انسان مدرن چنان قاطعانه گرفتار معارضه طلبی تکنولوژی است که دیگر هیچ جا خود را نمی بیند و تکنولوژی را دیگر به عنوان خطاب درک نمی کند (هایدگر، ۱۳۷۷، ص ۳۱). در نگاه پستمن نیز تکنولوژی

1. Juggernaut

مدرن، در گام نخست، با هجوم به فرهنگ و سنن پیشین، فرهنگ تکنوکراسی^۱ را شکل داد که تا حد زیادی پیرو خواسته‌های جبری و ضوابط رشد این ابزارآلات است؛ اما در گام بعدی، فرهنگ تکنوپولی^۲ شکل گرفت که مبتلی به نوعی «ایدز فرهنگی» و فاقد قدرت دفاعی در برابر سیل اطلاعات تکنولوژیکی بوده و تکنولوژی به‌مثابه امپراطوری مستبد و بلامنازع، هنر، اخلاق، سیاست، مذهب، تاریخ، حقیقت، حوزه شخصی، هوشیاری و روشنفکری را در راستای توقعات خود معنی می‌کند (پستمن، ۱۳۷۲، صص ۴۷، ۷۰-۷۱ و ۹۱). هنر تکنولوژیک نیز تمایل به خودبسندگی و استقلال از اندیشه هنرمند و حذف آن دارد (لادیر، ۱۳۸۰، ص ۱۷۳).

مثلاً این مسئله، اسارت عقل فطری و الهی، به‌عنوان هویت واقعی انسان تحت اقتضائات شهوت و غضب است که حکمای اسلامی همواره آن را گوشزد کرده‌اند (فارابی، ۱۳۵۸، ص ۱۹۵، مسکویه، ۱۳۸۱، ص ۹۶، خمینی، ۱۳۷۲، ص ۲۵۵، جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۲ و ۴، ص ۲۴۷). به‌اعتقاد مسکویه، حس‌گرایان، نفس شریف و قوه ناطقه خود را در خدمت و اسارت قوای حیوانی قرار می‌دهند و معتقدند همه قوای نفسانی انسان، حتی نفس ناطقه (عقل)، جهت تنظیم و تمیز امور برای لذت‌بری هرچه بیشتر به انسان عطا شده است (مسکویه، ۱۳۸۱، صص ۹۴-۹۵)؛ همان‌گونه که بیکن، فقط رسالت مشروع و حقیقی علم را اختراعات و کشفیات جدید برای ارتقای کیفیت زندگی طبیعی! انسان و آرامش و غنای بیشتر او می‌داند (پستمن، ۱۳۷۲، ص ۵۵).

شهوت و غضب در صورت حاکمیت بر وجود انسان، بُعد خاصی از وجود او را به‌خدمت نمی‌گیرند؛ بلکه تمام ظرفیت‌ها و توانایی‌های وجودی او را در جهت گسترش بی‌حد و حصر حیوانیت به‌خدمت گرفته و انسان را به‌طور کامل به اسارت گرایشات و امیال حیوانی درمی‌آورد؛^۳ به همین سان، تکنولوژی مدرن، به‌مثابه جسمیت عقلانیت ابزاری خشک و خشن، جلوه بیرونی اسارت عقل در بند شهوت و غضب در سطح کلان

1. Technocracy

2. Technopoly

۳. «کم من عقل امیر تحت هوئی اسیر» (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱).

اجتماعی است که بر فرهنگ و حیات انسانی سلطه رانده و با تحمیل الزامات خود بر آن، بر روح و روان بشر سوار شده و او را اسیر کرده است (طاهرزاده، ۱۳۹۸، ص ۶۵)؛ به نحوی که به مثابه امری خود-هدایت‌گر، در تعامل با علم، یک فرا-ساخت^۱ خود-سامان‌دهنده^۲ را تشکیل داده که گرایش به ایجاد واقعیتی مستقل (لوگوس^۳ تحقق‌یافته) دارد که محصول و جزئی از بشر، اما بیگانه با او بوده و به نیرویی خارجی تبدیل می‌شود که قانون رشد خود را برای رسیدن به مقام خدایی و اثبات قدرت مطلق خود، به نوع بشر تحمیل می‌کند (لادیر، ۱۳۸۰، صص ۶۴ و ۱۲۴)؛ در این صورت، به جای اینکه ماشین، کارکردی انسانی داشته باشد، انسان‌ها باید ماشین شوند و ماشینی فکر و عمل کنند (طاهرزاده، ۱۳۹۸، ص ۶۱). همان‌گونه که انسان اسیر شهوت و غضب، احساس رانده شدن جبری توسط سائقه‌های درونی نامعلومی دارد، فرهنگ و جامعه اسیر تکنولوژی نیز خود را اسیر جبر تکنولوژیک می‌بیند.

۲-۳-۴. سیلان، بی‌ثباتی و تغییرات شتابان

وجه دیگر تناقض‌آفرینی تکنولوژی، شتاب‌بخشی فزاینده به آهنگ تغییرات جهان و شکل‌دهی دگرگونی‌های سریع، مداوم و سرسام‌آور است. به اعتقاد برخی، «امروزه آنچه قرار و پایداری دارد، تغییر است؛ اما مردم درک نمی‌کنند که دنیا تغییر کرده است؛ زیرا تغییر بزرگتر در حال شتاب است... که با تکنولوژی ظهور می‌یابد» (Kurzweil, 2003). گیدنز این خصیصه را «از جاکندگی»^۴ می‌نامد و لادیر از پدیده «ریشه‌کنی»^۵ صحبت می‌کند که در آن، همه چیز، همه جا هست و هیچ جا نیست و هیچ چیز، رنگ و بو و معنای واقعی ندارد؛ زیرا از مبادی معنا جداست (لادیر، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶). کاستلز «فرهنگ اضطراب» را درباره وضعیت کودکانی به کار می‌گیرد که احساس می‌کنند هیچ آینده یا ریشه‌ای

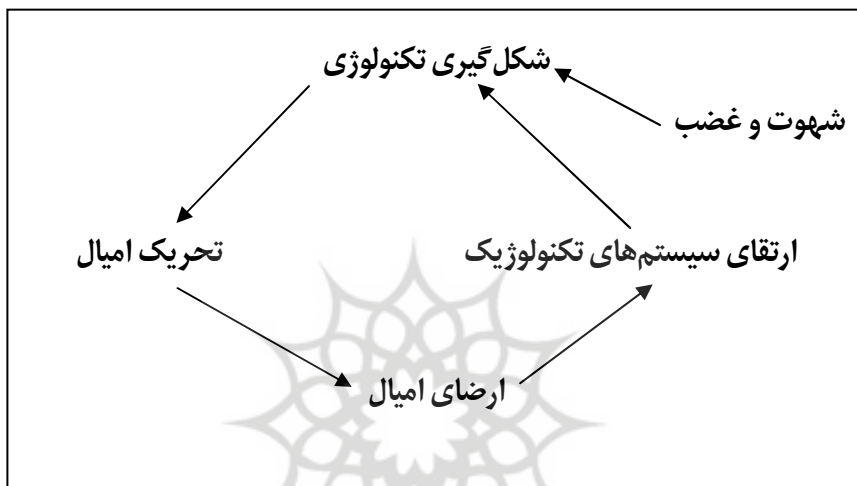
1. SUPER-STRUCTURE
2. Self-organizing
3. logos
4. Disembedding
5. uprooting

در کار نبوده و هرچه هست، اکنون است و زمان حال نیز از لحظه‌ها ساخته شده؛ بنابراین، باید به نحوی زندگی کرد که گویی هر لحظه، آخرین لحظه است (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۱۸۶). به اعتقاد تافلر، تغییر به مثابه نیروی اجتماعی کاملاً جدید، چنان شتاب گرفته که بر احساس ما از زمان اثر گذاشته و رابطه خود را با گذشته کاملاً گسسته‌ایم؛ «موقتی بودن» پیامد بلافصل آن است و همه چیز در درون و بیرون ما، تندتر حرکت می‌کند (تافلر، ۱۳۸۶، صص ۱۸-۱۹ و ۳۴). وی مفهوم «فرهنگ راداری» جدید را به کار می‌برد که در آن، با تصاویر پاره‌پاره شده و ناپایدارش، به طور روزافزون در معرض هجوم اطلاعات راداری کوتاه هستیم که در بایگانی ذهنی ما قابل طبقه‌بندی نیستند و یک علت آن، صورت‌های عجیب و غریب، ناپایدار و نامربوط آنهاست؛ برخی از ما زیر این فشارهای جدید، داغون می‌شویم (تافلر، ۱۳۷۸، صص ۲۳۰-۲۳۱).

آنی بودن، بی‌ثباتی و تغییر دائمی، ویژگی لذت‌های حسی و شهوی است. مسکویه، لذت حسی را لذتی عرضی، بی‌ثبات و سریع‌الزوال می‌داند (مسکویه، ۱۳۸۱، صص ۱۴۴ و ۱۴۹؛ طوسی، ۱۳۶۴، ص ۹۷)؛ از این رو، تعاملات اجتماعی مبتنی بر لذت (حسی) را ناپایدارترین و سست‌ترین نوع تعامل و وابسته به وجود آن لذت می‌داند (مسکویه، ۱۳۸۱، صص ۱۸۲ و ۱۸۹). تعامل مبتنی بر منفعت مادی (برخاسته از قوه غضبیه) نیز گرچه ثبات نسبی دارد؛ اما آن نیز با زوال نفع مادی، از بین می‌رود (مسکویه، ۱۳۸۱، صص ۱۸۲-۱۸۳). در مقابل، تعامل مبتنی بر خیر و لذت عقلی، پایدارترین و اصیل‌ترین تعاملات اجتماعی است (مسکویه، ۱۳۸۱، صص ۱۸۲ و ۱۹۰).

با این بیان، سیلان، در لحظه زیستن و بی‌قراری و بی‌ثباتی، یکی دیگر از الزامات حاکمیت شهوت و غضب بر وجود آدمی و تعطیلی عقل است. تکنولوژی به جهت چنین بنیادی، به صورت دَوْرانی (شکل ۲)، هم به تحریک و تصعید دوباره امیال شهوی و غضبی و عطش آفرینی در کاربران خود می‌پردازد و هم به عنوان تنها مرجع پاسخ‌دهنده به این امیال، ظهور می‌یابد و انسان به منظور تجربه لذت‌ها و سلطه‌گری بیشتر، به ارتقای فزاینده و غیرعقلانی آن می‌پردازد و از این رهگذر، علاوه بر تسریع پیامدهای پیشین، با سرعت بخشی به تغییر و سیلان دائمی، آن را به معضلی اساسی و تشدیدکننده بی‌هویتی

و بی‌معنایی انسان معاصر تبدیل کرده و با فقدان عقلانیت نظری نیز این پرسش اساسی، بی‌پاسخ می‌ماند که این وضعیت که به‌طور دائم، گذشته‌ها را پاک می‌کند، تا کجا و برای چیست؟ در این وضعیت، امور به‌قدری شتاب می‌گیرند که دیگر کسی فرصت توقف و تأمل در گذشته و اینکه چه چیز قربانی شده را ندارد (پستمن، ۱۳۷۲، ص ۶۷).



شکل ۲: رابطه دورانی شهوت و غضب و ارتقای تکنولوژی

این فرایند تکنولوژیک که به‌قصد رفاه، آزادی، لذت و به‌عبارتی سعادت انسان، خلق و ایجاد شده، به‌صورتی تناقض‌آمیز، نتیجه معکوس داشته و در نهایت منجر به هلاکت وی می‌گردد؛ چراکه به‌اعتقاد حکمای اسلامی، ارضای افراطی و هرچه بیشتر امیال حیوانی به‌دلیل سیری‌ناپذیری‌شان، به عطش حیوانی انسان افزوده و دامنه این طلب و میل را گسترده‌تر می‌کند (خمینی، ۱۳۷۲، صص ۱۸-۱۹) که پایان آن، هلاکت قوای سه‌گانه و نهایتاً هلاکت خود آدمی است (طوسی، ۱۳۷۲، ص ۷۹)؛ بنابراین، تکنولوژی که با حرص و ولع فزاینده به‌منظور تنوع‌بخشی و گسترش لذت‌های حیوانی، در حال ارتقا و توسعه روزافزون است، با رویکرد کنونی خود به نابودی هر گونه امکان حیات بشری خواهد انجامید.

۳-۳-۴. شکل‌دهی هویت ثانویه انسان

تکنولوژی در شکل‌دهی هویت و شاکله شخصیتی انسان نیز سهیم است که این واقعیت، بر اساس فلسفه اسلامی، در فرایند حرکت جوهری نفس تحقق می‌یابد. در این نگاه، هویت انسان، حقیقت متحرکی است که دارای سیوروت و مراتب گوناگون بوده و همه انسان‌ها در نهایت، یک نوع واحد نیستند؛ بلکه انواع متعددی می‌شوند که تحت نوع متوسط و جنس سافل قرار می‌گیرند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۴، صص ۲۸۸ و ۲۹۱)؛ بنابراین، «سیرت باطنی» یا هویت و شخصیت انسان، در فرایند حرکت و عمل پیاپی او و متناسب با قوای سه‌گانه شکل می‌گیرد؛ عمل پیاپی بر اساس قوه شهویه به شکل‌گیری سیرت بهیمی می‌انجامد که همچون چهارپایان تنها به دنبال التذاذ حسی و حیوانی است؛ سیرت سبّیه، بر اساس مقتضای قوه غضبیه و غلبه آن شکل گرفته و به درنده‌خویی و توحش می‌پردازد و سیرت انسانی، انسان حقیقی و فرشته‌گونه‌ای است که با حاکمیت عقل بر وجود آدمی شکل می‌گیرد (فارابی، ۱۳۸۸، ص ۱۷، مسکویه، ۱۳۸۱، ص ۹۸، طوسی، ۱۳۶۴، صص ۷۶-۷۹، خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۵)؛ بنابراین، انسان‌ها دست‌کم به سه دسته قابل تقسیم هستند. به اعتقاد حکمای صدرایی، «هویت انسانی فرد در درون، با تحریک محرک خارجی از قوه به فعل می‌آید... آن محرک (و عامل) بیرونی می‌تواند فرد دیگر یا جامعه باشد. آن فرد می‌تواند معصوم یا غیرمعصوم و عادل یا غیرعادل و آن جامعه می‌تواند صالح یا طالح باشد» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹، ص ۳۲۲). با این بیان، در جامعه مدرن و فرهنگ تکنوپولی که تحت سلطه تکنولوژی است و همه حوزه‌های معنایی آن به تصرف تکنولوژی درآمده، این تکنولوژی است که به‌عنوان محرک بیرونی انسان در جایگاه جامعه قرار گرفته و با تعیین بخشی‌الگوهای رفتاری، هنجارها و ساختار اجتماعی، متناسب با اقتضات خود، هویت و سیرت باطنی فرد را شکل می‌دهد. چنین هویتی، با توجه به بنیاد معنایی تکنولوژی، چیزی جز سیرت بهیمی یا سبّی که در تنازع و کشمکش با هویت اصیل فطری و الهی انسان است، نخواهد بود؛ از این رو، انسان و فرهنگ معاصر اسیر تکنولوژی، دچار تنازع و تناقضات درونی و بیرونی گوناگون است.

نقش هویت‌بخش تکنولوژی و مداخله آن در شکل‌گیری حقیقت و شاکله وجودی

انسان در تحلیل‌های تکنولوژی‌پژوهان نیز بازتاب یافته؛ برای مثال، تافلر جهان جدید را نه تنها یک تغییر تکنولوژیک، بلکه انقلابی درون انسان می‌داند که جریان‌هایی نیرومند با تقویت برخی صفات انسان و سرکوب برخی دیگر، به تغییر وجود ما می‌پردازند (تافلر، ۱۳۷۸، ص ۵۳۹). به اعتقاد پل نیز جامعه پسا صنعتی، نوعی بازی میان افراد جامعه در زمینی است که خطوط آن و قوانین بازی و کنشگران را تکنولوژی ترسیم می‌کند (پل، ۱۳۸۲، صص ۱۷-۲۰، ۳۵-۳۶)؛ یعنی انسان باید در چارچوب‌های تعیین‌یافته توسط تکنولوژی عمل نماید و چون تکنولوژی مدرن بر مبنای حاکمیت شهوت و غضبی قرار دارد که در تعارض با حقیقت اصیل انسانی است، انسان‌ها نیز با عمل در چارچوب‌های آن، هویتی غیر انسانی و ناسازگار با فطرت انسانی (سیرت بهیمی یا سبعی) می‌یابند که تنها به ارضای غیر عقلانی شهوات و امیال گوناگون حیوانی و اعمال خشونت و سلطه نامحدود می‌پردازد.

این هویت ثانویه و حیوانی، خنثی نبوده و نسبت حقیقی با فطرت انسانی دارد (ذبیحی، ۱۳۹۸، ص ۴۸)؛ به عبارتی، هویت حیوانی در طول هویت انسانی و فطری انسان شکل می‌گیرد و انسان مدرن طی حرکت جوهری خود ذیل الزامات تکنولوژی، با حفظ صورت انسانیت، صورت حیوان معین را پیدا کرده و تبدیل به «انسان گرگ» یا انسان چهارپا می‌گردد؛ بنابراین، دارای یک شخصیت ثانویه حیوانی و یک هویت اصیل فطری بوده و از آنجا که به این وضعیت ناسازگار خود آگاهی دارد، خود این آگاهی، رنجی تحمل‌ناپذیر برای او به دنبال می‌آورد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۶). انسان و جامعه‌ی مقهور تکنولوژی برای رهایی از این ناخشنودی درونی، به راهکارهای تکنولوژیکی و گسترش فناوری‌ها پناه برده و در نتیجه، با تشدید وضعیت خود، به گسترش بحران‌های گوناگون اقدام می‌کند و این چرخه باطل، در نهایت، به نابودی اصل بشر می‌انجامد.

۵. تبیین تناقض تکنولوژیک

سه پیامد ذکر شده، تناقض مکنون در نهاد فرهنگ غربی را به خوبی عیان می‌کند؛ تکنولوژی که برای رهایی و رفاه و آسایش انسان شکل گرفت، اولاً علاوه بر آسان کردن

سلطه انسان بر انسان، خود به عامل مسلطی تبدیل شد که انسان را برده‌وار تحت الزامات خود قرار داد؛ ثانیاً با سرعت بخشی فوق‌العاده به آهنگ تغییرات جهان، طبیعت و انسان را در معرض نابودی قرار داده و ثالثاً با شکل‌دهی هویتی حیوانی و ناسازگار با فطرت انسانی، رنج و شوربختی و ناخرسندی تحمل‌ناپذیری بر انسان معاصر تحمیل کرده و به تعبیری، «انسان مدرن، بدترین یأس قابل تصور را در امیدبستن به نوع بشریت دارد و از این امر هم آگاه است. او دیده است که علوم و تکنولوژی و سازمان‌دهی چقدر مفید و در همان حال، چقدر می‌توانند فاجعه‌آمیز باشند. ... در نتیجه، انسان مدرن به درون وضعیت بی‌اطمینانی فروغلتیده» (یونگ در رجبی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۶۳) و علی‌رغم تلاش‌های شبانه‌روزی، از همه چیز، ناراضی است؛ وضعیتی که وی از ابتدا بنا نداشت به آن برسد (طاهرزاده، ۱۳۸۹، ص ۶۱).

این تناقض فردی-اجتماعی تکنولوژیک، از منظر اخلاق فلسفی، از دو جهت قابل تبیین است؛ اول آنکه حاکمیت و غلبه شهوت و غضب بر عقل، به ناسازگاری و تناقضات درونی و بیرونی فرد و تشتت و تکثر شخصیتی وی می‌انجامد (مسکویه، ۱۳۸۱، صص ۹۷-۱۰۰ و ۱۷۸؛ مسکویه، ۱۳۸۸، ص ۱۱۰)؛ چراکه چنین انسانی با توجه یک‌سویه به نیازها و ابعاد حیوانی، نیازها و لذت بُعد عقلی و اصیل انسانی خود را وامی‌نهد. تکنولوژی مدرن نیز مبتنی بر شهوت و غضب، پدیده‌ای «تک‌ساحتی بوده و فقط جنبه‌های حسی و نیازهای ظاهری انسان را منظور نظر دارد» (میرباقری، ۱۳۹۹) و با وانهادن بخش مهمی از نیازهای انسان، به ناسازگی و تنش فردی-روانی و اجتماعی و احساس رنج و شوربختی به جای لذت و آرامش می‌انجامد.

دوم آنکه لذت‌های حسی اساساً غیرحقیقی، عرضی و غیرلذت هستند؛ یعنی لذتی که در اندام‌های حسی حاصل می‌شود، در واقع، ناشی از ازاله درد موجود در قوا و اعضای حسی هستند؛ بنابراین بهره‌گیری بیش از حد از این قوا نیز در نهایت این لذت عرضی را تبدیل به ضد آن، یعنی درد می‌نماید (مسکویه، ۱۳۸۱، صص ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۱؛ طوسی، ۱۳۶۴، صص ۹۷-۹۸)؛ به همین سان، انسانی که از ابتدا چنین لذتی را به طور کامل قصد کرده و تمام سعادت را در آن می‌بیند، در پایان، بیشتر به درد و رنج گرفتار می‌شود.

تکنولوژی مبتنی بر حاکمیت شهوت و غضب نیز که هدف از آن، گسترش و تکثیر و تنوع بخشی به لذائد حسی- حیوانی است، لاجرم نه تنها رهایی و آسایش را به عنوان آرمان ابتدایی انسان مدرن به ارمغان نمی آورد، بلکه به درد، رنج و درماندگی وی افزوده و با هدف رفع آلام بشری و لذت آفرینی بیشتر، درد و ناخوشی انسان را افزایش داده و دچار نقض غرض می گردد. در واقع، انسان مدرن از تکنولوژی، انتظار چیزی را دارد که نه تنها به شکل بنیادی فاقد آن است، بلکه به تولید و بازتولید ضد آن می پردازد.

نتیجه گیری

در چارچوب اخلاق فلسفی، پیامدهای منفی تکنولوژی، ناشی از نظام معنایی حس گرایانه و دنیاگرایانه ای است که این پدیده در بطن آن شکل گرفته و سبب می شود تا تنها به ارضای نامعقول اقتضانات شهوت و غضب پردازد. همان گونه که شهوت و غضب با حاکمیت بر بعد عملی انسان، فضایل اخلاقی را نابود کرده و با سلطه بر عقل، انسان را به اسارت گرفته و امکان تعقل صحیح و فهم درست واقعیات را از او سلب کرده و در نهایت، به تناقض درونی و بیرونی کنشگر و شکل گیری سیرتی حیوانی درون انسان می انجامد، تکنولوژی مدرن نیز در پهنه کلان اجتماعی، با تصرف تمام حوزه های اجتماعی و فرهنگی، امکان هرگونه تعقل نظری درباره مهم ترین مقولات حیات بشری را سلب کرده و با دست اندازی به حوزه ارزش ها و مفاهیم و زبان، الزامات خود را در این حوزه نیز تحمیل می کند؛ به همین سان، در حوزه عواطف نیز به نابودی ابعاد انسانی و زیبایی های اخلاقی و هنری پرداخته و در نتیجه به آسان شدن سلطه گیری انسان بر طبیعت و جامعه، تحمیل اقتضانات خود بر فرهنگ و جامعه و ایجاد تغییراتی شتابان و مداوم می انجامد؛ علاوه بر این، به عنوان محرک بیرونی حرکت جوهری انسان، سیرتی حیوانی و متعارض با عقل و فطرت انسانی در افراد شکل می دهد که نتیجه آن، تشدید رنج های انسانی است. نتیجه این همه، شکل گیری تناقضی فراگیر یا به عبارتی، آشکار شدن تناقض ذاتی فرهنگ و تمدن غربی است؛ از این حیث که به جای رهایی بخشی، رفاه و آسایش و کاستن از آلام بشری، به اسارت، رنج و ناخرسندی

درونی او افزوده است. از منظر این پژوهش، تا رویکرد دنیاگرایانه به هستی و انسان در بنیاد تکنولوژی نهفته و به ابعاد الهی و فطری انسان بی‌اعتنایی می‌کند، هر راهکاری برای رفع گرفتاری‌های فزاینده آن درون این نظام معنایی، تنها به تشدید مسئله خواهد انجامید؛ در نتیجه، تنها راه حل، بازگشت به عقلانیت اصیلی است که از قیدوبند حیوانیت رسته و تکنولوژی را به‌عنوان بعد دنیوی انسان، تحت مهار چارچوب‌های خود در آورد که در چارچوب اخلاق اسلامی، شریعت و فقه چنین وظیفه‌ای را ایفا می‌کند.



فهرست منابع

* نهج البلاغه.

۱. اسلامی، روح‌الله. (۱۳۹۳). رهایی یا انقیاد؛ فلسفه سیاسی تکنولوژی اطلاعات در قرن بیستم (چاپ اول). تهران: نیسا.
۲. بل، دانیل. (۱۳۸۲). آینده تکنولوژی، احد عقیلیان (چاپ اول). تهران: وزارت امور خارجه.
۳. پارسانیا، حمید. (۱۳۹۲). جهان‌های اجتماعی. قم: فردا.
۴. پستمن، نیل. (۱۳۷۲). تکنوپولی (مترجم: صادق طباطبایی). تهران: سروش.
۵. تافلر، آلوین. (۱۳۷۸). موج سوم (مترجم: شهیندخت خوارزمی، چاپ سیزدهم). تهران: نشر علم.
۶. تافلر، آلوین. (۱۳۸۶). شوک آینده (مترجم: حشمت‌الله کامرانی، چاپ ششم). تهران: نشر علم.
۷. جوادی آملی، عبدالله؛ امین‌دین، غلامعلی. (۱۳۸۴). حیات حقیقی انسان در قرآن (ج ۲ و ۴، چاپ دوم). قم: اسراء.
۸. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). رحيق مختوم (۵جلدی، تنظیم: حمید پارسانیا). قم: اسراء.
۹. جوادی آملی، عبدالله؛ خلیلی، مصطفی. (۱۳۸۹). جامعه در قرآن (چاپ سوم). قم: اسراء.
۱۰. خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۲). چهل حدیث (چاپ دوم). تهران: رجا.
۱۱. ذبیحی، محمد. (۱۳۹۸). حکمت عملی از نگاه سه فیلسوف مسلمان (چاپ دوم). تهران: سمت.
۱۲. رجیبی‌نیا، داود. (۱۳۸۹). غرب از رؤیا تا واقعیت (ج ۳). قم: مرکز پژوهش‌های صداوسیما.
۱۳. سروش، جمال. (۱۳۹۳). عقل عملی و کارکرد آن در حکمت عملی از دیدگاه صدرالمتألهین (چاپ اول). قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۱۴. طاهرزاده، اصغر. (۱۳۹۸). گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی (چاپ ششم). اصفهان: لب‌المیزان.

۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (بی تا). نهاية الحکمة (چاپ دوازدهم). قم: موسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم.
۱۶. طوسی، خواجه نصیر. (۱۳۶۴). اخلاق ناصری (مترجمان: مجتبی مینوی و علیرضا حیدری). تهران: خوارزمی.
۱۷. فارابی، ابونصر. (۱۳۵۸). السياسة المدنیة (مترجم: جعفر سجادی). تهران: انجمن فلسفه ایران.
۱۸. فارابی، ابونصر. (۱۳۸۸). فصول منتزعه (مترجم: حسن ملکشاهی، چاپ دوم). تهران: سروش.
۱۹. کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات؛ اقتصاد، جامعه و فرهنگ (مترجمان: احمد علی قلیان و افشین خاکباز، چاپ اول). تهران: طرح نو.
۲۰. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۸). پیامدهای مدرنیته (مترجم: محسن ثلاثی، چاپ دوم). تهران: مرکز.
۲۱. لادیر، ژان. (۱۳۸۰). رویارویی علم و تکنولوژی با فرهنگها (مترجم: پروانه سپرده، چاپ اول). تهران: مؤسسه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲۲. لون، یوستون. (۱۳۹۱). رسانه امتداد مردان است، سیدرضا مرزانی. سوره اندیشه، ش ۵۸ و ۵۹، صص ۲۹۵-۲۹۹.
۲۳. مسکویه، احمد بن محمد. (۱۳۸۱). تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق (مترجم: علی اصغر حلبی، چاپ اول). تهران: اساطیر.
۲۴. مسکویه، احمد بن محمد. (۱۳۸۸). الفوز الاصح. قم: آیت اشراق.
۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۳). آموزش فلسفه (چاپ چهارم). تهران: امیرکبیر.
۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱ الف). اخلاق در قرآن (محقق: محمدحسین اسکندری، سه جلدی، چاپ پنجم). قم: موسسه امام خمینی علیه السلام.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱ ب). معارف قرآن (ج ۱ و ۳، چاپ چهارم). قم: موسسه امام خمینی علیه السلام.
۲۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). مجموعه آثار (۲۹ جلدی، چاپ هشتم). قم: صدرا.

۲۹. میرباقری، سیدمهدی. (۱۳۹۹/۲/۱۴). تحلیل پدیده تکنولوژی. پایگاه اطلاع‌رسانی
(<http://mirbaqeri.ir>)

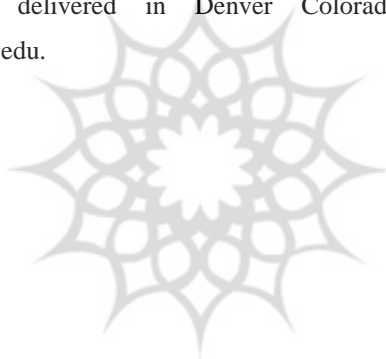
۳۰. نراقی، احمد. (۱۳۸۶). معراج السعادة (چاپ ششم). قم: قائم آل محمد علیهم‌السلام.

۳۱. هایدگر، مارتین. (۱۳۷۷). فلسفه تکنولوژی (مترجم: شاپور اعتماد). تهران: نشر مرکز.

32. Habermas, Jurgen, (Winter) (1981). Modernity versus postmodernity (translated By Seyla Ben-Habib), *New German Critique*, No 22, pp 3-14, Published By: Duke University Press.

33. Kurzweil, Ray. (2003). *Understanding the Accelerating Rate of Change*. Published on Kurzweil AI. net May 1, 2003, visited at 2020/05/09.

34. Postman, Neil. (1998). *Five Things We Need to Know About Technological Change*. Talk delivered in Denver Colorado, March 28, 1998: www.cs.ucdavis.edu.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

References

*Nahj al-Balaqa

1. Bell, D. (1382 AP). *The future of technology* (1st ed., A. Aqilian, Trans.). Tehran: Ministry of Foreign Affairs. [In Persian]
2. Castells, M. (1380 AP). *Information era; Economy, Society and Culture* (1st ed., A. Aliqolian., & A. Khakbaz, Trans.). Tehran: Tarh-e No. [In Persian]
3. Eslami, R. (1393 AP). *Emancipation or subjugation; Political philosophy of information technology in the 20th century* (1st ed.). Tehran: Nisa. [In Persian]
4. Farabi, A. N. (1358 AP). *Al-Siyasah al-Madaniyah* (J. Sajjadi, Trans.). Tehran: Iranian Philosophy Association. [In Arabic]
5. Farabi, Abu Nasr. (1388 AP). *Fasul Muntza'e* (H. Malekshahi, 2nd ed.). Tehran: Soroush.
6. Giddens, A. (1388 AP). *Consequences of modernity* (2nd ed., M. Tholathi, Trans.). Tehran: Markaz. [In Persian]
7. Habermas, J. (1981). *Modernity versus postmodernity* (S. B. Habib, Trans.). *New German Critique*, (22), 3-14. Durham: Duke University Press.
8. Hadiger, M. (1377 AP). *Philosophy of technology* (Sh. Etemad, Trans.). Tehran: Markaz. [In Persian]
9. Javadi Amoli, A. (1386 AP). *Rahiq Makhtum* (H. Parsania, Ed.). Qom: Esra. [In Persian]
10. Javadi Amoli, A., & Amindin, Gh. A. (1384 AP). *The true life of man in the Qur'an* (2nd ed., Vols. 2 & 4). Qom: Esra. [In Persian]
11. Javadi Amoli, A., & Khalili, M. (1389 AP). *Society in the Qur'an* (3rd ed.). Qom: Esra. [In Persian]
12. Khomeini, R. (1372 AP). *Forty Speech* (2nd ed.). Tehran: Raja. [In Persian]
13. Kurzweil, R. (2003). *Understanding the Accelerating Rate of Change*. Kurzweil AI.
14. Ladier, J. (1380 AP). *Confrontation of science and technology with cultures* (1st ed., P. Sepordeh, Trans.). Tehran: Institute of Culture, Art and Communication. [In Persian]

15. Loon, Y. (1391 AP). Media is the extension of men, (R. Marzani, Trans.). *Sura Andisheh*, (58 & 59), pp. 295-299. [In Persian]
16. Mesbah Yazdi, M. T. (1383 AP). *Teaching philosophy* (4th ed.). Tehran: AmirKabir. [In Persian]
17. Mesbah Yazdi, M. T. (1391 a AP). *Ethics in the Qur'an* (M. H. Eskandari, Ed., 5th ed.). Qom: Imam Khomeini Institute. [In Persian]
18. Mesbah Yazdi, M. T. (1391 b AP). *Teachings of the Qur'an* (4th ed., Vols, 1 & 3). Qom: Imam Khomeini Institute. [In Persian]
19. MirBaqeri, M. (2/14/2019). *Analysis of technology phenomenon*. Retrieved from: <http://mirbaqeri.ir>. [In Persian]
20. Miskawayh, A. (1381 AP). *Tahzib al-Akhlaq wa Tathir al-A'raq* (1st ed., A. A. Halabi, Trans.). Tehran: Asatir. [In Arabic]
21. Miskawayh, A. (1388 AP). *al-Fawz al-asghar*. Qom: Ayat Eshraq. [In Arabic]
22. Motahari, M. (1377 AP). *Collection of works* (8th ed.). Qom: Sadra. [In Persian]
23. Naraqi, A. (1386 AP). *Miraj al-Sa'adeh* (6th ed.). Qom: Qaem al-Muhammad. [In Arabic]
24. Parsania, H. (1392 AP). *Social worlds*. Qom: Farda. [In Persian]
25. Postman, N. (1372 AP). *Technopoly* (S. Tabatabai, Trans.). Tehran: Soroush. [In Persian]
26. Postman, N. (1998). *Five Things We Need to Know About Technological Change*. Colorado.
27. Rajabinia, D. (1389 AP). *West from dream to reality* (Vol. 3). Qom: Broadcasting Research Center. [In Persian]
28. Soroush, J. (1398 AP). *Practical reason and its function in practical wisdom from the point of view of Sadrul Matalahin* (1st ed.). Qom: Imam Khomeini Institute. [In Persian]
29. Tabatabaei, S. M. H. (n.d.). *Nahayat al-Hikma* (12th ed.). Qom: Dar al-Kotob A-Islamiyah. [In Arabic]

30. Taherzadeh, A. (1398 AP). *Choosing technology through the lens of monotheistic vision* (6th ed.). Isfahan: Lab al-Mizan. [In Persian]
31. Toffler, A. (1378 AP). *The third wave* (13th ed., Sh. Kharazmi, Trans.). Tehran: Nashr-e Elm. [In Persian]
32. Toffler, A. (1386 AP). *Shock of the future* (6th ed., H. Kamrani, Trans.). Tehran: Nashr-e Elm. [In Persian]
33. Tusi, Kh. N. (1364 AP). *Akhlaq Naseri* (M. Minavi., & A. Heydari, Trans.). Tehran: Kharazmi. [In Persian]
34. Zabihi, M. (1398 AP). *Practical wisdom from the perspective of three Muslim philosophers* (2nd ed.). Tehran: Samt. [In Persian]

